

ثريا همسر دوم شاه

ثريا اسفندياري دومين همسر محمدرضا پهلوي شاه ايران، بود كه نزديك به هفت سال در دربار ايران دوام آورد. او پس از فوزيه و پيش از فرح در ايران عنوان ملكه را به خود اختصاص داده بود.

ثريا اسفندياري بختياري در اول تير ۱۳۱۱ در بيمارستان ميسيونرهاي انگليسي در اصفهان متولد شد. پدرش خليل فرزند اسفنديار، سردار اسعد بختياري بود. خليل، زماني كه در آلمان رشته حقوق و اقتصاد سياسي مي‌خواند با اوا كارل (Eva Karl) ازدواج كرد، اوا، خود متولد سن پترزبورگ، پايتخت دولت روسيه تزاري بود و پيش از شروع جنگ اول جهاني به همراه خانواده‌اش به آلمان بازگشته بود.

خليل پس از پايان تحصيلاتش به همراه اوا به ايران آمد و شش سال از ازدواج آن دو مي‌گذشت كه ثريا به دنيا آمد. وضعيت نامطلوب بهداشتي در ايران و شيوع بيماري‌هاي پوستي و آبله، اوا را بر آن داشت تا كودك ده ماهه‌اش را براي دوري از خطر بيماري به برلين ببرد. اما چهار سال بعد دوباره به اصفهان بازگشتند. خليل اكنون معاون هنرستاني در اصفهان بود. ثريا ابتدا در مدرسه مادام الي منتال (Mme Elli Mental) همراه گروهي از كودكان آلماني درس مي‌خواند. او دوران تحصيلات ابتدايي خود را در مدرسه بهشت آيين اصفهان سپري كرد و تا كلاس چهارم متوسطه در اين شهر بود. سپس در فروردين ۱۳۲۵، خانواده بختياري به سوئيس مهاجرت كردند و در شهر زوريخ ساكن شدند. ثريا ابتدا به مدرسه شبانه‌روزي دخترانه مونترو (Montreux) رفت و يك سال بعد به لاروزه (La Rosee) در لوزان منتقل شد و در ۱۳۲۹ براي ادامه تحصيلات به لندن رفت.

پس از طلاق فوزيه - نخستين همسر محمدرضا پهلوي كه خواهر ملك فاروق پادشاه مصر بود - در مهر ۱۳۲۷، شاه ايران درصدد يافتن همسر تازه‌اي براي خود بود اما او از ميان دهها دختری كه براي او نظر گرفته بودند، هيچ يك را نمي‌پسنديد. تا اينكه حضور ثريا در اروپا و اوصافي كه از او بر مي‌شمردند، محمدرضا را بر آن داشت تا خواهرش شمس را براي ديدار ثريا به لندن بفرستد. شمس او را پسنديد و ترتيب ملاقات او با برادرش را در پاریس داد. محمدرضا نيز با ديدن ثريا، موافقت خود را براي ازدواج با او اعلام كرد. از آن پس موضوع ازدواج دوم محمدرضا، در ايران بر سر زبانه افتاد. ثريا به تهران آمد و در مجلسي خصوصي رسماً از او خواستگاري شد. در ۱۹ مهر ۱۳۲۹ دربار ايران در اعلاميه‌اي خبر نامزدي محمدرضا پهلوي با ثريا اسفندياري بختياري را به اطلاع مردم ايران رساند و در ۲۳ بهمن همان سال مراسم عقد آن دو در كاخ مرمر تهران برگزار شد و ثريا با مهره‌اي شامل يك جلد كلام‌الله مجيد، يك عدد نيم‌تاج برليان، يك گلوبند (گردنبند) برليان و پنج ميليون ريال وجه نقد رايج كشور به عقد محمدرضا پهلوي درآمد و از آن هنگام به عنوان ملكه ايران شناخته شد.

ورود ثریا به دربار پادشاه ایران با حوادث متعددی همراه بود. در آن سال، نفت ایران ملی شد و با روی کار آمدن دولت محمد مصدق به عنوان نخست‌وزیر، ایران دستخوش تحولات شگرفی شد. ثریا که روحیه‌ای دور از سیاست داشت و به امور اجتماعی علاقه زیادی نشان می‌داد با تأسیس جمعیت خیریه ثریا پهلوی خود را از امور سیاسی کنار کشید. او همواره در ناملايمات از شاه می‌خواست که سلطنت را رها کرده و در گوشه‌ای از اروپا به کشاورزی بپردازند. ثریا به محمدرضا گفته بود که او را به عنوان يك شوهر می‌خواهد نه يك پادشاه.

در مرداد ماه ۱۳۳۲ که موضوع برکناری مصدق مطرح شده بود و کشورهای حامی شاه قصد کودتایی علیه مصدق داشتند، ثریا نیز به همراه شاه از رامسر به عراق و از آنجا به رم گریخت و پس از کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد، چندی پس از محمدرضا به ایران بازگشت.

يك سال بعد در ۱۳۳۳ ش، علیرضا برادر تنی محمدرضا بر اثر سانحه هوایی جان باخت. از او تا پیش از این به عنوان جانشین محمدرضا نام برده می‌شد. با مرگ علیرضا، شاه به طور جدی در فکر جانشینی برای خود افتاد. ثریا تا آن زمان نتوانسته بود فرزندى به دنیا آورد. از آن پس موضوع درمان ثریا مطرح شد. چه زنان دربار ایران به ویژه اشرف، خواهر دوقلوی شاه، بیش از همه برادرش را برای بچه‌دار شدن تحت فشار گذاشته و با تحریکات خود، ملکه ایران را در رنج انداخته بود. این در حالی بود که ثریا نتوانسته بود از قدرت و نفوذ خاندان پهلوی بر همسرش بکاهد.

درمان آنان با استفاده از پزشکان متخصص خارجی آغاز شد و حتی يك بار در ۱۹۵۵ م / ۱۳۳۴ ش شاه و ثریا در سفری غیر رسمی به امریکا، در مرکز پزشکی پرسپتاریان (Prespetararian) تحت انواع آزمایشهای پزشکی قرار گرفتند. اما پزشکان به آنان توصیه کردند که باید صبر کنند.

در سال ۱۳۳۶ ش، شاه امید خود را به بچه‌دار شدن همسرش از دست داد. از این رو در دی ماه ۱۳۳۶ ثریا به سن موريس سوئیس رفت و در ۲۳ اسفند همان سال خبر طلاق آن دو منتشر شد. شاه در نطقی رادیویی به همین مناسبت اعلام کرد که تصمیم گرفته است مصالح مملکتی را بر علایق شخصی خود مقدم بدارد.

در طلاق‌نامه‌ای که در آلمان توسط دکتر محمدعلی هدایتی وزیر دادگستری و سرلشکر نعمت‌الله نصیری فرمانده گارد سلطنتی ایران به ثریا تسلیم شد، شرایط زیادی قید شده بود از جمله حقوق ماهیانه سیصد هزار ریال و عنوان والا حضرت و حق استفاده از گذرنامه سیاسی.

از آن پس، ثریا در اروپا زندگی خود را در سرگردانی آغاز کرد. او از این کشور به آن کشور می‌رفت و همواره سوژه‌ای مطرح نزد خبرنگاران مطبوعات اروپایی بود.

ثريا مدتي به هنرپيشگي در سينما روي آورد و در دو فيلم سينمايي از جمله فيلم «سه چهره يك زن» ساخته بولونيني نيز بازي کرد اما از آنجا كه نتوانسته بود در اين راه موفقيتي كسب كند، از اين كار كناره گرفت. او چند بار قصد ازدواج با هنرپيشگان معروف اروپايي و امريكايي داشت كه هر بار بي نتيجه مي ماند. او مدتي نيز به همسري فرانكو ايندو وينا كارگردان ايتاليائي درآمد كه زندگي مشترك آنان با مرگ فرانكو بر اثر سانحه هوايي، خاتمه يافت.

در خاطرات اسدالله علم وزير دربار محمدرضا آمده است كه ثريا در سال ۱۳۵۴ ش. در نامه اي از شاه خواسته بود كه آپارتماني در پاریس براي خريداري كند و شاه نيز با اين خواسته او موافقت کرده بود. يك سال بعد نيز در آبان ۱۳۵۵ تقاضي مستمری ماهيانه به مبلغ شش تا هفت هزار دلار کرده بود كه اين بار شاه از او به خشم آمده بود.

شاه اگر چه اندكي پس از طلاق ثريا، با فرح ديبا در آذر ۱۳۳۸ ازدواج کرد، اما همچنان به ثريا علاقه نشان مي داد. حتي گفته شده است در زماني كه محمدرضا پهلوي پس از فرار از ايران روزهاي آخر عمر خود را در سال ۱۳۵۹ ش. در قاهره سپري مي کرد، ثريا نامه اي محرمانه براي او فرستاده بود كه از محتوای آن اطلاعي در دست نيست. با اين حال، ثريا اسفندياري، پس از ترك ايران در هرگز به كشور بازنگشت و سرانجام در سوم آبان ۱۳۸۰ جسد او توسط يكي از نزديكانش در آپارتمانش در پاریس به دست آمد.

به نقل از: دایرة المعارف انقلاب اسلامي